فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۲، شماره ۲۶، پاییز ۱۴۰۳

پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت و لذت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و مقایسه آن با گروه عادی

ناصر یوسفی[۱]، جمال رحیمی[۲]، شبروز قبادی زاده[۳]، محمد علی مسلمی[۴]

چکیده

پژوهش حاضر، باهدف پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و مقایسه آن با گروه عادی بود. روش پژوهش پیش‌بین ـ مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی پایه‌های دهم، یازدهم، دوازدهم شهرستان شهرضا در سال تحصیلی ۱۴۰۱- ۱۴۰۲بود. نمونه پژوهش شامل۱۰۶ دانش‌آموز، ۵۳ نفر دانش‌آموز" فرزندان ازدواج مجدد" و ۵۳ نفر" دانش‌آموز عادی" بود که به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی، خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های؛ مطلوبیت اجتماعی کروان و مارلو (SAS) پرسشنامه احساس امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران (SSPS) و پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده بامریند استفاده شد. داده‌های با نرم‌افزار spss25 در قالب آزمون توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباط آماری(تی دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس و رگرسیون) تجزیه‌وتحلیل شدند. نتایج نشان داد سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی با متغیر مطلوبیت اجتماعی، رابطه معنادار دارد ولی تفاوت معنادار بین دو گروه وجود ندارد. همچنین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی با متغیر احساس امنیت اجتماعی، رابطه معنادار ندارد و تفاوت معنادار بین دو گروه وجود ندارد. به بیانی واضح‌تر سبک فرزند پروری ارتباطی به ازدواج مجدد و عادی ندارد، فرزندان ازدواج مجدد و عادی از مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی یکسانی در خانه و جامعه برخوردار هستند، همچنین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی نقش دارد (p<۰/۰۰۱) ولی در پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی نقش ندارد(p>./136). نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند مبنای طراحی برنامه-های آموزشی و درمانی باشد که اجرایی شدن آن بر روی زوجینی که ازدواج مجدد کرده‌اند، خواهد توانست زمینه را برای تقویت مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در فرزندانشان را فراهم کند.

واژه‌های کلیدی: مطلوبیت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، فرزندان ازدواج مجدد.

[۱] استاد مشاوره خانواده و روانشناسی، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران
[۲] دانشجویی دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران
[۳] کارشناس ارشد مشاوره،گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران (نویسنده مسئول) shabroozghabadi@gmail.com
[۴] کارشناس ارشد روانشناسی،گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

مقدمه

با گسترش روزافزون طلاق[1]، ازدواج مجدد[2] به پدیده‌ای شایع تبدیل گردیده، میزان خشنودی و دوام آن نسبت به ازدواج اول ناچیز می‌باشد (یکله، محسن زاده و زهراکار،۱۳۹۷). رواج ازدواج مجدد در زنان بیوه، واقعیتی اجتماعی می‌باشد که در جوامع کنونی ازجمله ایران بنا به دلایلی چون افزایش بالای نرخ طلاق، تغییر و تحول در سبک زندگی، تغییر در ارزش‌های فرهنگی، بحران‌های سیاسی، اجتماعی رو به افزایش است (قوی‌پنجه؛ علی مندگاری و کلاته ساداتی،۱۳۹۶). ازدواج مجدد نوعی زندگی زناشویی به‌حساب می‌آید که یکی یا هر دو طرف قبلاً با شخص دیگری در رابطه بوده و بنا به دلایلی(بیماری، فوت همسر، نداشتن فرزند، عدم تفاهم) رابطه ختم به جدایی و مجدداً با فرد دیگری ازدواج یا این‌که باوجود همسر اول دوباره با دختر یا زن دیگر ازدواج‌کرده است (ویبلینگ[3]، ۲۰۱۱).

ازدواج مجدد هنجاری زنـان در ایـران به‌صورت ازدواج دائـم، موقـت، چندهمسری، دوستانه می‌باشد. مشکلاتی که بـر سر راه ازدواج مجدد بوده، در طول سال‌های اخیر پیچیده‌تر، موجب نفوذ در عوامل روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصـادی و تفاوت‌های جنسـیتی نیز گردیده است (صادقی؛ بهرامی و اسماعیلی، ۱۳۹۸). طبق آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۶ از هر ۳/۹ ازدواج، ۱ مورد به طلاق منجر شده است (آسنجرانی، جزایری، فاتحی‌زاده، اعتمادی و دی‌مو ، ۱۳۹۶). نکته قابل‌تأمل این است که ۷۰ تا ۸۰ درصد از زنان و مردان پس از جدایی، مجدداً ازدواج می‌کنند (سوئینی، ۲۰۱۰).

نسبت ازدواج‌های مجدد مردان مطلقه ایرانی به مـردان غربـی ۶ درصد بیشتر و نسبت ازدواج‌های مجدد زنان مطلقه ایرانی نسبت به زنـان غربـی ۲۵ درصـد کمتر است (صادقی، بهرامی و اسماعیلی، ۱۳۹۶). بزرگ‌سالانی که در سال ۲۰۱۸، ازدواج‌کرده بودند ،۲۶ درصد دارای ازدواج مجدد بوده‌اند، نرخ ازدواج مجدد در دو دهه گذشته به میزان زیادی کاهش‌یافته است. تغییرات ازدواج مجدد در گروه‌های سنی به‌طور قابل‌توجهی متفاوت می‌باشد (ساچویرز، ۲۰۲۰). نگرش نادرست جامعه نسبت به زنان مطلقه، سرپرستی از فرزندان، احساس تنهایی، عوامل فرهنگی، اجتماعی، نیاز امنیتی، اقتصادی، عاطفی، باعث شکل‌گیری ازدواج مجدد می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۹). تنهایی، نبود سرپرست، مراقبت از فرزندان، مشکلات مالی و اجتماعی، آسیب‌های روحی و روانی عاملی ترغیبی برای ازدواج مجدد می‌باشد (صادقی، بهرامی و اسماعیلی، ۱۳۹۸).

ازدواج مجـدد مانند طلاق یک اتفاق ساده نیست، بلکه جریانی از وقایع است که به دنبال زنجیره انتقالی ایجاد و موجب اختلال در پویایی تعاملات زوجین نسبت به همدیگر می‌شود (آندرسون و گرین[4]، ۲۰۱۳). ازدواج مجدد به خاطر شیوه متفاوتی که نسبت به ازدواج‌های معمولی دارد، با مشکلات مختلفی(فرهنگی، اقتصادی، عقاید و سنت) روبرو می‌گردد که وجود فرزنـدان ایـن چالش‌ها را شدت می‌بخشد (محمدی و محمدی، ۱۳۹۸؛ پاراتو و مگان[5]، ۲۰۱۶).

با توجه به تأثیر جنسـیت و فرهنـگ هرکدام از زوج‌ها، تجارب مختلفی از چالش‌های ازدواج مجـدد را تجربه می‌نمایند، ازدواج مجـدد دربرگیرنده چـالش‌هـای گسترده‌ای بـرای خـانواده‌هـا و متخصصانی است که با آن‌ها رابطه دارند (آندرسون و گرین، ۲۰۱۳). نکته قابل‌توجه در مورد زوج‌های که ازدواج مجدد داشته‌اند، تمایل به مشاجره نسبت به زوج‌های عادی می‌باشد.این افراد فاقد الگوهای ارتباطی مفید می‌باشند(پیس و همکاران [6]، ۲۰۱۵).

تحقیقاتی که به بررسی این چالش‌های پرداخته‌اند، دربردارنده چالش‌های چون تهدید روابط زوجی درتعارض پذیرش کودکان، فرایند انتقال بـه درون خانواده جدید و مدیریت تعارض‌ها می‌باشند (ساچیرز، ۲۰۲۰؛ آندرسون، گرین، ۲۰۱۳؛ سوینی[7]،۲۰۱۰). همچنین، تحقیقـات خارجی که بـه مطالعه متغیرهای جمعیت‌شناسی کودکان همانند سن، جنس و خلق‌وخوی کودک در فراینـد پـذیرش ازدواج مجدد، اشاره نموده‌اند (ویلدینگ، ۲۰۱۱؛ کان اونگ، کلمن، جیمسون[8]، ۲۰۱۱).

---

1. Divorce
2. Remarriage
3. Weibling
4. Anderson, & Greene
5. Prato,R., Meghan
6. Pace & et al
7. Sweeney
8. Ganong., Coleman & Jamison

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

اغلب مواقع ازدواج مجدد موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیری در بخش‌های مختلف زندگی خانوادگی و زناشویی، اجتماعی می‌شود، بخش عظیمی از آسیب‌ها متوجه فرزندان می‌باشد (یکله، محسن زاده و زهراکار، ۱۳۹۷). ازجمله عواملی که با سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی رابطه دارد، امنیت اجتماعی می‌باشد.

امنیت[1] از نیازها و انگیزه‌های اساسی فرد و جوامع بشری تلقی می‌شود، به‌طوری‌که فقدان یا اختلال در آن منجر به تشویش، اضطراب و بازتاب‌های جبران‌ناپذیری می‌گردد، وجود امنیت سد قویِ در برابر تغییرات واقعی، احتمالی و مایه آرامش، اطمینان خاطر، انعطاف‌پذیری می‌گردد (انیس، ۲۰۱۷؛ بویست ،۲۰۱۵ ؛ بخشنده زحمتی، بهیان و حقیقتیان، ۱۳۹۸). در نظریه سلسله مراتبی نیازهای مازلو، احساس امنیت بلافاصله بعد از ارضای نیازهای اولیه انسانی قرارگرفته است. تأمین امنیت در هر جامعه‌ای لازمه برخورداری از فرصت‌ها و منابع فرهنگی و اجتماعی، کاهش نرخ جرم، جنایت و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد (عنبری، حسین زاده و حقیقتیان، ۱۳۹۸). امنیت پیش‌زمینه جامعه‌ای امن و زمینه‌ساز توسعه جوامع انسانی می‌باشد، سعادت جوامع بشری در گرو حفظ، بقای امنیت و احساس حاصل از آن می‌باشد، علاوه بر آن عدم امنیت، دربردارنده علائمی چون تنش مداوم، ترس عمومی، بی‌قراری، بی‌خوابی، ترس‌های مبهم از حوادث احتمالی می‌باشد (دسترنج و قنبری، ۱۳۹۹). احساس امنیت نقش مهمی در تأمین بهداشت اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، توسعه سلامت عمومی و روانی دارد، نبود احساس امنیت منجر به بیماری‌های جسمانی و روانی در افراد جامعه می‌گردد (غفاری و شیرعلی، ۱۳۹۵).

گیلبرت[2] در نظریه فراتشخیصی خود با طرح سازه امنیت اجتماعی آن را مفهومی مهم و مرتبط با سلامت و بهزیستی دانسته و معتقد است فقدان این منشأ بسیاری از آسیب‌های روانی است(گیلبرت، مک اوان، میترا، فرانکز ریچتر و راکلیف[3]، ۲۰۰۹). احساس امنیت اجتماعی[4] به شکل پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی متأثر از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط اجتماعی می‌باشد و انسان‌ها برای داشتن زندگی سالم و تداوم روابط اجتماعی به آن نیاز مبرمی دارند (رادفر و حبیب زاده،۱۳۹۷). احساس امنیت اجتماعی مشخصه اصلی توانایی فرد برای مقابله با سختی‌ها و چالش‌های زندگی و ارتقاء سلامت روان و بهزیستی است (یعقوبخانی، اسد زاده، سعدی پور، دلاور و درتاج،۱۳۹۷). همچنین کلی و دوپاسکویر نشان دادند که امنیت اجتماعی حالت خاصی از عاطفه، مناسب است که با تجارب پیوند جویی با اطرافیان مرتبط است (کلی و دوپاسکویر[5]،۲۰۱۶). نکته حائز اهمیت، در این زمینه، وجود احساس امنیت در بین افراد جامعه است؛ یعنی در کنار وجود امنیت در بعد عینی، امنیت باید ازنظر ذهنی نیز وجود داشته باشد. با توجه به این مسائل، برخی از کارشناسان احساس امنیت را مقدم بر وجود عینی امنیت می‌دانند (حمیدی پور و رجبی، ۱۳۹۷). امنیت اجتماعی در سال‌های اخیر موردتوجه محافل علمی و پژوهشی بسیاری قرارگرفته به جهت نقش قابل‌توجهی که امنیت اجتماعی و مهم‌تر از آن، بحث احساس امنیت اجتماعی درتهدید و یا تقویت زیرساخت‌های توسعه یک جامعه بر عهده دارد(متقی، رضایی واکبری، ۱۳۹۷).

نتیجه پژوهش (محمدی و محمدی، ۱۳۹۹) "چالش‌های ازدواج مجدد زنان با حضور فرزند "نشان داد که ازدواج مجدد والدین تأثیری منفی بر ابعاد گوناگون زندگی(اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) دارد، این تأثیر زمینه‌ساز طرد از جانب همسالان و جامعه برای فرزندان می‌باشد. محمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان" مطالعه جامعه‌شناختی مسائل مرتبط با ازدواج امنیت روانی و جانی، پیامد جو متشنج خانواده در ازدواج مجدد می‌باشد. یافته‌های پژوهش صادقی، بهرامی و اسماعیلی(۱۳۹۸) با عنوان" تدوین مدل بومی عوامل فرهنگی بازدارنده ازدواج مجدد سرپرست خانوار زیرپوشش کمیته امداد کشور ایران در سال ۱۳۹۵" تعصبات قومی و مخالفت فرزندان پسر با ازدواج مجدد مادر زمنیه ساز ناامنی، مشکلات رفتاری، کاهش کیفیت زندگی فرزندان می‌گردد.

پژوهش خلجی، افراسیابی و روحانی(۱۳۹۸) نشان داد، زمانی که در ازدواج مجدد، مادر سرپرستی فرزند را بخواهد بر عهده بگیرد با برخورد نامطلوبی از سوی همسر سابق مواجه می‌شود ، همسر می‌تواند با طرح شکایت حضانت کودک را بگیرد، این

---

1. safe
2. Gilbert
3. Gilbert, Mc Evan, Mitra, Franks, Richter & Rockliff
4. Sense of social security
5. Kelly & Dupasquier

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

درگیری‌ها، باعث نگرانی و احساس طرد شدن در فرزند می‌شود. نتایج پـژوهش‌هـای داخلی نشان داد که سلامت روانی، کیفیت زندگی و بهزیستی ذهنی کودکـان در ازدواج‌های مجـدد پایین‌تر از کودکان در خانواده‌های عادی و تک والد است (انسرودی، ۱۳۹۲). بر اســاس یافته‌های کمبل[1] (۲۰۱۲)، در خانواده‌های با ازدواج مجدد حضور فرزند ناتنی عاملی مشکل‌زا در ایجاد رابطه مطلوب به شمار می‌روند.

تحقیقات داخلی و خارجی انجام‌شده، نشان می‌دهد که نقاط ضعف ازدواج مجدد از نقاط قوت آن بیشتر است و موجب ستیزه‌گری، افزایش خطاهای افراد در زندگی و موجب توقف رشد در فرزندان می‌گردد (گرانت، ۲۰۱۳). کان اونگ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی که به بررسی ادراک کودکان از، ازدواج مجدد والدین خود پرداختند، نشان داد که کودکان این خانواده‌ها به مقایسه والد ناتنی خود با والد اصلی خود می‌پردازند، نتایجی چون پذیرش یا طرد از سمت دوستان و همسالان، اجتماع و عدم امنیت نسبت به آینده و حال به دنبال دارد.

عامل دیگری که با سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی ارتباط دارد، مطلوبیت اجتماعی[2] می‌باشد مطلوبیت اجتماعی قسمتی از ساختار اصلی شخصیت افراد می‌باشد و متشکل از دو قسمت: انکار کردن صفات، رفتارها و ویژگی‌های ناپسند، تائید ویژگی‌ها، رفتارها می‌باشد، سعی افراد بر این است که با تلاش فراوان خود را به شکل عالی مطرح نمایند و با توسعه مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی خود از عدم تائید اجتماعی جلوگیری نمایند (دو مینگوس اسپینوزا، روس ابل کوتو، هارب و باینا[3]، ۲۰۱۸).

مطلوبیت اجتماعی به نحوه تمایل ذاتی افراد برای دادن پاسخ مناسب و قابل‌قبول ازنظر جامعه به صورتی که فرد از نگاه اطرافیان خود عالی، بدون عیب و نقص به نظر می‌رسد، در عوض آنچه که واقعاً فکر می‌کنند، معتقدند یا پاسخ می‌دهند (لیا ئو[4]، ۲۰۱۶؛کامینسکا و فولشام[5]، ۲۰۱۶؛ روزبهانی و اخلاقی کوهپایی،۱۳۹۷).

در تعریفی دیگر، مطلوبیت اجتماعی دارا بودن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد، پذیرفتن افراد باوجود داشتن برخی رفتارهای سردرگم کننده و پیچیده آن‌ها است و برای دست‌یابی به آن از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کنند (طالبیان،۱۳۹۹؛ محسنی و میرگل،۱۳۹۹). مطلوبیت‌های اجتماعی به‌عنوان قواعد و قانون عمومی مورد تائید جامعه و یا گروه واقع‌شده‌اند پایه و اساس عمـل، رفتـار و قضـاوت درباره رفتارها، وقایع و پیامدهای اجتماعی هسـتند کـه موجب افزایش خودکارآمدی می‌شود. بنابراین مطلوبیت و پـذیرش بـه معنـای برخـورداری افـراد از منـابع و حمایـت‌هـا در روابـط و پیوندهای اجتماعی است (بهادری خسروشاهی و برقی، ۱۳۹۸). افراد با مطلوبیت اجتماعی مناسب برای محفوظ ماندن از طرد اجتماعی همواره در تلاش‌اند. مطلوبیت اجتماعی می‌تواند موجب نوعی خود تغییری در فرد گردد که با تنظیم اهداف در زندگی، عملکرد بهتر و درنتیجه رضایت از زندگی و افزایش انگیزش را به وجود آورد. درواقع درک اینکه فرد دارای استعدادی است و به‌موجب این استعداد در جامعه و بین اعضای خانواده و دوستان دارای ارزش و احترام بوده، موجب بروز احساس مثبت در وی خواهد شد (بزرگمهری‌جمهری، حافظی، عسگری، مکوندی و پاشا،۱۳۹۸).

مطلوبیت اجتماعی مطلوب باعث کسب جایگاه خاصی برای فرد در گروهی که به تعلق‌خاطر دارند می‌گردد که این امر به‌نوبه خود باعث می‌گردد خود پنداره فرد که همان ایمان به توانایی و ارزش وجودی خویشتن است به نهایت مطلوب خود برسد، خصوصیاتی نظیر احترام به خود، روابط بین فردی عالی، توانایی قوی ابراز وجود و بیان باورهای خود، برخورداری از نعمت سلامت روانی عالی از مشخصه بارز این افراد است به شمارمی رود (طهماسبی پور، نصری و محمدی، ۱۴۰۰). افراد برخوردار از ویژگی مطلوبیت اجتمـاعی نگرش و احساس مثبتی در مورد خود و زندگی گذشته‌شان دارند، باوجود ضعف‌ها و ناتوانی‌هایی تمامی جنبه‌های خود را می‌پذیرد. جامعه و افراد آن را با همه کمبودها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارند و می‌پذیرند. افراد با مطلوبیت اجتماعی مناسب برای خود احترام قائل هستند و خود را با ارزش و موردقبول دیگران می‌دانند و در روابط بین

---

[1] . Campbell, M
[2] . Social desirability
[3]. Domínguez - Espinosa, Rosabal-Coto, Harb & Baena
[4]. Liao
[5]. Kaminska & Foulsham

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فردی به خود متکی هستند. افزون بر این، چنین افرادی می‌توانند افکار و باورهای خود را به‌درستی بیان نمایند(مرادی و دهقانی،۱۳۹۷).

نتایج تحقیقات بیانگر این است که مطلوبیت اجتماعی به‌مانند پیوستاری می‌باشد که در یک انتهای آن افرادی با سطح بالایی از مطلوبیت اجتماعی قرار دارند که عقاید و تجارب شخصی خود را در مصاحبه‌ها و پاسخگویی به سؤالات تغییر می‌دهند در جهت مثبت یا منفی، درصورتی‌که در انتهای دیگر آن، افرادی با سطح پایینی از مطلوبیت اجتماعی قرار دارند که در عقاید و تجارب خود مطمئن و استوار می‌باشند (سرمدی سلطان، زارعی، میانکلی و سلیمی بجستانی،۱۳۹۲).

در مطالعه لانگرلند [1](۲۰۱۱) مشخص شد که کیفیت حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افزایش احساس همبستگی بین افراد، سبب بهبود سلامت روانی می‌گردد. در تحقیق (خادمی، علی‌اکبری و سلمانپور، ۱۳۹۷) بین مقبولیت اجتماعی و نگرش مادر با اضطراب مدرسه دانش آموزان رابطه معنی‌دار وجود دارد. زرگرشیرازی و سراج خرمی(۱۳۹۰) در بررسی خود" رابطه خود اثربخشی و مقبولیت اجتماعی با اضطراب اجتماعی" بیان کردند که رابطه معناداری بین این متغیرها و خصوصاً مقبولیت اجتماعی و اضطراب اجتماعی (اضطراب مدرسه) وجود دارد.

پور فراهانی، احمد برآبادی و حیدرنیا (۱۳۹۸) در پژوهش خود" اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر اضطراب اجتماعی دختران نوجوان بی‌سرپرست " گزارش کردند، گروه‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل موجب کاهش اضطراب اجتماعی و مؤلفه‌های آن ازجمله اجتناب، ترس و علائم فیزیولوژیک می‌باشد.

خانیکی و معتمدی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان" تأثیر مشاوره گروهی" راه‌حل محور" بر خودکار آمدی و حمایت کودکان کار " نشان داد که مشاوره گروهی راه‌حل محور با افزایش معنی‌داری خودکارآمدی در آزمودنی‌های گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه می‌باشد اما در میزان متغیر حمایت اجتماعی تفاوت معنادار نبوده است. در پژوهش محمودی و بریمانی (۱۳۹۹) " تحت عنوان رابطه بین مطلوبیت اجتماعی و خودکارآمدی با شادکامی دانشجویان" معنی‌دار مثبتی بین مطلوبیت اجتماعی و خودکارآمدی با شادکامی دانشجویان وجود دارد.

فرزندان ازدواج مجدد برای داشتن کارکرد مطلوب در جامعه نیاز به امنیت و مطلوبیت اجتماعی دارند. ضرورت فهم این‌که چه عواملی بر این دو بعد تأثیرگذارند، ضروری می‌باشد. ازجمله مواردی که به‌احتمال فراوانی بر امنیت و مطلوبیت اجتماعی فرزندان تأثیرگذار می‌باشد، سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده می‌باشد.

اولین تجربه ارتباطی کودک در خانواده با والدین نشاءت می‌گیرد، خانواده تأثیرگذارترین تعاملات را در شکل‌گیری شخصیت فرزندان ایفاء می‌نماید، (چاوی، چاوی و چن[2]، ۲۰۱۶). به‌واقع، سبک‌های فرزند پروری ترکیبی از رفتارهای والدین می‌باشد که در موقعیت‌های گوناگونی ایجاد و موجب گسترش فضای مؤثر فرزند پروری دائمی می‌گردد (ذکایی فر و موسوی زاده، ۱۳۹۸). پژوهش استیل و مک‌کینی[3] (۲۰۱۹) نشان داد، بین سبک‌های فرزند پروری و مشکلات روان‌شناختی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش سیلین،کی‌لیک،کایا، یوکار و ناسلیگول[4]، (۲۰۲۱) نشان داد که بین خودشیفتگی و سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده رابطه معناداری وجود دارد.

در پژوهشی تحت عنوان" سبک‌های فرزند پروری والدین به‌عنوان پیش‌بینی کننده رفتارهای اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی"بر روی ۲۷۶ کودک در ترکیه انجام شد، نتیجه نشان داد که والدین با سبک تنبیهی ملایم بهترین سبک‌ها برای پیش‌گویی رفتارهای اجتماعی مثبت یا منفی کودکان هستند (نسلیهان و مروه[5]، ۲۰۱۸). سعیدی فر و نیک‌سیرت (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان" بررسی نقش سبک‌های فرزند پروری در پیش‌بینی سلامت روان دانش‌آموزان با میانجی‌گری هوش معنوی نشان داد، رابطه معنادار مثبت بین سبک مقتدرانه با هوش معنوی وجود دارد. اوزگور[6](۲۰۱۶) شیوه فرزند پروری

---

1. Langerland
2. Chou, Chou & Chen
3. Steele & McKinney
4. selin, kilickaya., nehir ucar,.merve & denizci nazligul
5. Neslihan Saltalı , Merve İmi
6. Özgür

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

سهل گیر و مستبد ارتباط معنی‌داری با اعتیاد به اینترنت نوجوانان دارد و کمترین میزان اعتیاد به اینترنت را در شیوه مقتدر بود.

مرور ادبیات گذشته که به بررسی شیوه‌های فرزند پروری ادراک‌شده پرداخته‌اند، بیانگر تأثیر سبک‌های فرزند پروری در بروز مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده، خصوصاً والدین است (میلز، آربی یو، لال و دی‌جای‌گیر[1]، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش‌های (زوکتو و اوپآلی، فی جو، آماتو و ناتو[2]، ۲۰۱۹؛ هوک و همکاران[3]، ۲۰۱۵؛ والنت، کوگ موریرا و سانچز[4]، ۲۰۱۷) در فرهنگ‌های آمریکایی و اروپایی مطلوب‌ترین سبک‌فرزندپروری، سبک‌فرزندپروری مقتدرانه می‌باشد، معمولاً با پیامدهای مطلوبی در رابطه با فرزندان (مصرف پایین مواد، کاهش مشکلات رفتاری و راهبردهای سازگارانه‌تر) رابطه دارد.

با توجه به پیشینه تحقیق، سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده بر امنیت اجتماعی و مطلوبیت اجتماعی گروه‌های مختلف نقش مؤثری داشته بااین‌حال پژوهشی در زمینه بررسی و مقایسه مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی انجام‌نشده است. هدف این پژوهش بر این است که به بررسی و مقایسه مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی بپردازد.

روش

روش پژوهش حاضر با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات توصیفی، از نوع پیش‌بین – مقایسه‌ای است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی، دختر پایه‌های دهم، یازدهم، دوازدهم شهرستان شهرضا در سال تحصیلی ۱۴۰۱- ۱۴۰۲بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا به‌صورت تصادفی از هر ناحیه ۵ مدرسه و از هر مدرسه سه کلاس (یک کلاس از پایه دهم، یک کلاس از پایه یازدهم و یک کلاس از پایه دوازدهم) انتخاب شدند. به سؤالات پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری بامریند، پرسشنامه مطلوبیت اجتماعی کراون و مارلو و پرسشنامه احساس امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران پاسخ دادند. درنهایت۵۳ نفر دانش‌آموز "فرزندان ازدواج مجدد" به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و ۵۳ نفر دانش‌آموز عادی، ضمن همتا سازی در متغیرهای جمعیت شناختی مانند؛ سن، جنسیت و پایه تحصیلی به‌عنوان گروه مقایسه تصادفی انتخاب‌شده و گروه نمونه را تشکیل دادند. داده‌های با نرم‌افزار spss25 تحلیل گردید. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

الف) پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری بامریند[5](psi): پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری توسط بامریند در سال (۱۹۷۳) طراحی شد. این پرسشنامه دارای۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین مربوط می‌شود. این پرسشنامه شیوه‌های فرزند والدین را در سه عامل اندازه‌گیری می‌کند. در مقابل هر عبارت گزینه‌های کاملاً مخالفم، مخالف، تا حدودی مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم برای ارزش‌گذاری وجود دارد. شماره‌های ۱، ۶ ، ۱۳، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸، مربوط به حیطه آزاد گذاری، شماره‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶و ۲۹، مربوط به حیطه استبدادی و شماره‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰، مربوط به حیطه اقتدار منطقی می‌باشد

غلامرضا اسفندیاری (۱۳۸۳) جهت تعیین روایی محتوای آزمون، از ۱۰ نفر صاحب‌نظر در زمینه روانشناسی و روان‌پزشکی خواست میزان روایی هر جمله را با علامت زدن مشخص و نظر اصلاحی بدهند که نتیجه این نظرخواهی نشان داد آزمون مذکور از روایی بالایی برخوردار است، همچنین میزان پایایی را با استفاده از روش باز آزمایی برای آزاد گذاری و مسامحه گر برابر ۶۹ ٪، استبدادی برابر ۷۷ ٪ و اقتدار منطقی برابر ۷۳ ٪ به دست آمد. پودینه و همکاران (۱۳۹۵) برای تعیین پایایی

---

1. Mills, Arbeau, Lall ,Jaeger & Inan
2. Zuquett, Opaleye, Feijó, Amato, Ferri & Noto
3. Hock & et al
4. Valente, Cogo - Moreira & Sanchez
5. Baumrind Parenting Styles Questionnaire

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، مقدار ضریب آلفا برای سبک‌های فرزند پروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه به ترتیب ۰/۷۷ ، ۰/ ۸۳ و ۰/۷۵ به دست آوردند. بورای[1] (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و نتیجه به‌دست‌آمده بیانگر آن بود که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری و اقتدار منطقی دارد. ولی شیوه

سهل گیرانه رابطه معنی‌داری با شیوه قاطعانه نداشت.

ب) پرسشنامه پذیرش اجتماعی کراون و مارلو[2](SAS): پرسشنامه مطلوبیت اجتماعی در سال (۱۹۶۰) توسط کروان و مارلو طراحی شد. پرسشنامه دارای ۳۳ماده است. نمره کل آزمون بر مبنای پاسخ‌های صحیح یا غلط هر ماده مشخص می‌گردد. افرادی که نمره آنان بین صفر تا هشت می‌باشد، از مطلوبیت اجتماعی کمتری برخوردارند و به‌احتمال‌زیاد مورد طرد قرار می‌گیرند. نمره‌های ۹ تا ۱۹ افرادی با مطلوبیت اجتماعی در حد متوسط می‌باشد، رفتارهای آنان منطبق بر قواعد و هنجارهای اجتماعی می‌باشد. افرادی که نمره‌های آنان بین ۲۰ تا ۳۳ است، رفتار واقعی آنان با قواعد و هنجارهای اجتماعی از تطابق بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. ضریب اعتبار این آزمون با روش باز آزمایی بالای ۸۰/. بوده است، ازنظر روایی این آزمون با دیگر ابزارهای روان‌شناختی که برای اندازه‌گیری مطلوبیت اجتماعی ساخته‌شده، همبستگی بالا نشان داده است (گنجی، ۱۳۸۴). در پژوهش سرمدی سلطان و همکاران به نقل از ثمری (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ ۷۴/. محاسبه‌شده که بیانگر اعتبار قابل‌قبول آن است.

ج) پرسشنامه احساس امنیت و لذت اجتماعی[3] (SSPS): این مقیاس دارای ۱۱ گویه و به‌صورت خود گزارشی می‌باشد که توسط گیلبرت و همکاران، جهت سنجش احساس امنیت اجتماعی طراحی و ساخته‌شده است (گیلبرت و همکاران، ۲۰۰۹). این مقیاس، تجربه فرد را از درک جهان اجتماعی خود به‌صورت محیطی امن، صمیمی و پذیرا نشان می‌دهد. شرکت‌کنندگان توافق خود را با جملات، بر اساس مقیاس لیکرت از۱ تا ۵ درجه‌بندی می‌کنند (۱= تقریباً هرگز تا ۵= تقریباً همیشه). نمره فرد از جمع نمرات ۱۱ گویه به‌دست‌آمده می‌آید. ضریب آلفای کرونباخ برای نسخه اصلی این ابزار ۹۱/. و برای نسخه ترک آن ۰/۸۲ گزارش‌شده است (اکین و همکاران[4]، ۲۰۱۲). همچنین در نسخه ترک آن دامنه همبستگی تصحیح‌شده ماده‌های این مقیاس با نمره کل از ۰/۳۴تا۰/۶۱ گزارش‌شده است (اکین و اکین[5]، ۲۰۱۶). کلی و دوپاسکویر[6] (۲۰۱۶) در کانادا، از آلفای ۰/۹۶گزارش کردند. یعقوبخانی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس امنیت و لذت اجتماعی در جامعه جوانان ایرانی ، ضریب آلفای کرونباخ ۹۱/. را گزارش کردند.که نشان داد که مقیاس امنیت و لذت اجتماعی از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. ضریب باز آزمایی به فاصله ۵ هفته (۷۵/.) ثبات مقیاس را نشان داد. تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی از الگوی تک عاملی حمایت کرد که با الگوی یک عاملی نسخه اصلی این مقیاس همخوان است. بر اساس یافته‌های یعقوبخانی و همکاران (۱۳۹۷) به نظر می‌رسد که مقیاس امنیت و لذت اجتماعی در جامعه نوجوانان ایرانی می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر جهت سنجش احساس امنیت اجتماعی به کار رود.

روند اجرای پژوهش: پس از کسب مجوزهای لازم از آموزش‌وپرورش مرکز شهرستان شهرضا و مراجعه به مدارس، پرسشنامه مطلوبیت اجتماعی کروان و مارلو (SAS)، پرسشنامه احساس امنیت و لذت اجتماعی گیلبرت و همکاران (SSPS) و پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده بامریند در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم توزیع شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا به‌صورت تصادفی از هر ناحیه ۵ مدرسه و از هر مدرسه سه کلاس (یک کلاس از پایه دهم، یک کلاس از پایه یازدهم و یک کلاس از پایه دوازدهم) انتخاب شدند. به سؤالات پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری بامریند، پرسشنامه مطلوبیت اجتماعی کراون و مارلو و پرسشنامه احساس امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران

---

[1] . Buri,
[2]. Marlowe – Crowne social Desirability Scale
[3]. Social Security Feeling Questionnaire
[4] . Akin, A., Uysal, R., Özkara, N., & Bingöl, T.Y
[5] . Akin, U., & Akin, A
5. Kelly, A. C., & Dupasquier J

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

پاسخ دادند. درنهایت۵۳ نفر دانش‌آموز" فرزندان ازدواج مجدد" به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و ۵۳ نفر دانش‌آموز عادی، ضمن همتا سازی در متغیرهای جمعیت شناختی مانند؛ سن، جنسیت و پایه تحصیلی به‌عنوان گروه مقایسه تصادفی انتخاب‌شده و گروه نمونه را تشکیل دادند. ملاک‌های ورود دانش‌آموزان دارای والدین ازدواج مجدد به پژوهش عبارت بودند از؛ ۱- محدوده سنی ۱۵ تا ۱۹ سال، ۲- دارای والدین دارای ازدواج مجدد، ۳- مشغول به تحصیل در مقطع دوم متوسطه. همچنین به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، در مورد اهداف پژوهش توضیحات لازم به دانش‌آموزان ارائه شد و بعد از کسب رضایت کامل، پرسشنامه‌های پژوهش پخش شدند. همچنین به دانش‌آموزان اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری‌شده کاملاً محرمانه خواهد بود و به همین علت در فرم پرسشنامه‌ها از ذکر اسم دانش‌آموزان خودداری شد.

نتایج

در این پژوهش تعداد ۱۸۰پرسشنامه توزیع شد، بعد از گردآوری داده‌ها ، تعداد ۱۰۶ نمونه موردبررسی قرار گرفتند، به‌منظور آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و مقایسه آن با گروه عادی. ابتدا اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش و سپس ضرایب رگرسیون و تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش ارائه گردید.

مشخصات جمعیت شناختی

جدول۱: آمار توصیفی مشخصات دموگرافیک

متغیر	ابعاد	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۰	۰
	زن	۱۰۶	۱۰۰
کلاس	متوسطه اول	۱۰۶	۱۰۰
گروه	فرزندان ازدواج مجدد	۵۳	۵۰
	فرزندان ازدواج عادی	۵۳	۵۰

سؤال۱: آیا میانگین نمره سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، فرزندان ازدواج مجدد و عادی یکسان است؟

جدول۲: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل

	نتایج آزمون لون		نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل		
متغیر	آماره F	سطح معناداری(P-value)	آماره t	درجه آزادی(df)	سطح معناداری(P-value)
سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده	۰/۵۲۶	۰/۴۷۰	-۱/۱۴۶	۱۰۴	۰/۲۵۴

طبق جدول ۲، همگنی یا همان برابری واریانس نمره سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، فرزندان ازدواج مجدد و عادی را تائید کنیم. (F= ۰/۵۲۶ ، P>۰/۰۵) همچنین میانگین نمره سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، فرزندان ازدواج مجدد و عادی یکسان است. (t= -۱/۱۴۶ ، P>۰/۰۵).

سؤال۲: آیا میانگین نمره مطلوبیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی یکسان است؟

جدول۳: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل

نتایج آزمون لون	نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

متغیر	آماره F	سطح معناداری(P-value)	آماره t	درجه آزادی(df)	سطح معناداری(P-value)
مطلوبیت اجتماعی	۰/۷۵۵	۰/۳۸۷	-۰/۲۶۹	۱۰۴	۰/۷۸۸

طبق جدول ۳، همگنی یا همان برابری واریانس نمره مطلوبیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی را تائید کنیم. (P>۰/۰۵ ، F= ۰/۷۵۵). همچنین میانگین نمره مطلوبیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی یکسان است. (P>۰/۰۵ ، t= -۰/۲۶۹)

سؤال۳: آیا میانگین نمره احساس امنیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی یکسان است؟

جدول۴: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل

	نتایج آزمون لون		نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل		
متغیر	آماره F	سطح معناداری(P-value)	آماره t	درجه آزادی(df)	سطح معناداری(P-value)
احساس امنیت اجتماعی	۰/۳۹۹	۰/۷۱۸	-۰/۳۵۷	۱۰۴	۰/۷۲۱

طبق جدول ۴، همگنی یا همان برابری واریانس نمره احساس امنیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی را تائید کنیم. (P>۰/۰۵ ، F= ۰/۳۹۹). همچنین میانگین نمره احساس امنیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی یکسان است. (P>۰/۰۵ ، t= -۰/۳۵۷).

سؤال۴: آیا سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده قابلیت پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی را دارد؟

برای بررسی این فرضیه، باید از تحلیل رگرسیون خطی ساده استفاده کنیم. به‌طوری‌که متغیر سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، به‌عنوان متغیر مستقل(پیش‌بین) و متغیر مطلوبیت اجتماعی نیز به‌عنوان متغیر وابسته(ملاک) در نظر گرفته می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون به‌صورت زیر خواهد بود:

جدول۵- خلاصه مدل و ضریب تعیین

ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square)	خطای پیش‌بینی	استاندارد	آماره‌ی دربین واتسون
۰/۵۸۱	۰/۳۳۷	۰/۳۳۱	۲/۶۴۳		۲/۰۴۴

در جدول ۵، ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۳۳۱ به‌دست‌آمده است و این مقدار بیانگر این است که حدود ۳۴٪ از تغییرات متغیر وابسته‌ی مطلوبیت اجتماعی توسط متغیر مستقل سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، پوشش داده می‌شود. خطای استاندارد پیش‌بینی برابر با ۲/۶۴۳ حاصل‌شده است.

جدول۶- نتایج جدول تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره‌ی F	سطح معناداری(P-value)
رگرسیون	۳۶۹/۹۴۶	۱	۳۶۹/۹۴۶	۵۲/۹۷۹	<۰/۰۰۱
خطا	۷۲۶/۲۱۴	۱۰۴	۶/۹۸۳		
کل	۱۰۹۶/۱۶۰	۱۰۵			

در جدول ۶ که معناداری مدل رگرسیون را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حکایت از تائید مدل رگرسیونی دارد. به عبارتی متغیر مستقل، قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

جدول۷- ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی

	بتا استاندارد نشده	خطای استاندارد	بتا استانداردشده	آماره‌ی t	سطح معناداری(P-value)
عرض از مبدأ	۶/۷۹۱	۱/۷۵۷		۳/۸۶۴	<۰/۰۰۱
سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده	۵/۹۲۴	۰/۸۱۴	۰/۵۸۱	۷/۲۷۹	<۰/۰۰۱

در جدول ۷ که جدول ضرایب رگرسیونی نامیده می‌شود، مشاهده می‌کنیم که متغیر مستقل سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده تأثیر خطی معناداری روی متغیر وابسته دارد و حضورش در مدل الزامی است. همچنین حضور مقدار ثابت یا همان عرض از مبدأ نیز در مدل لازم است.

مدل رگرسیونی نهایی که می‌توان از آن برای امر پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی استفاده کرد، به‌صورت زیر خواهد بود:

برآورد نمره مطلوبیت اجتماعی = 6.791 + 5.924 * نمره سبک‌های فرزندپروری

سؤال۵: آیا سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، قابلیت پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی را دارد؟

برای بررسی این فرضیه، باید از تحلیل رگرسیون خطی ساده استفاده کنیم. به‌طوری‌که متغیر سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، به‌عنوان متغیر مستقل(پیش‌بین) و متغیر احساس امنیت اجتماعی نیز به‌عنوان متغیر وابسته(ملاک) در نظر گرفته می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون به‌صورت زیر خواهد بود:

جدول۸- خلاصه مدل و ضریب تعیین

ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R Square)	خطای استاندارد پیش‌بینی	آماره‌ی دربین واتسون
۰/۱۴۶	۰/۰۲۱	۰/۰۱۲	۹/۱۴۵	۱/۹۰۵

در جدول ۸، ضریب تعیین برابر با ۰/۰۲۱ به‌دست‌آمده است و این مقدار بیانگر این است که حدود ٪۲ از تغییرات متغیر وابسته‌ی احساس امنیت اجتماعی توسط متغیر مستقل سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، پوشش داده می‌شود. خطای استاندارد پیش‌بینی برابر با ۹/۱۴۵ حاصل‌شده است.

جدول۹- نتایج جدول تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره‌ی F	سطح معناداری(P-value)
رگرسیون	۱۸۸/۹۷۴	۱	۱۸۸/۹۷۴	۲/۲۶۰	۰/۱۳۶
خطا	۵۶۹۷/۹۳۲	۱۰۴	۸۳/۶۳۴		
کل	۸۸۸۶/۹۰۶	۱۰۵			

در جدول ۹ که معناداری مدل رگرسیون را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حکایت از عدم تائید مدل رگرسیونی دارد. به عبارتی متغیر مستقل، قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته نمی‌باشد و می‌توان نتیجه گرفت بین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و احساس امنیت اجتماعی، رابطه وجود ندارد و سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، قابلیت پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی را ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، باهدف پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و مقایسه آن با گروه عادی انجام شد. نتایج نشان داد سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی با متغیر مطلوبیت اجتماعی، رابطه معنادار دارد ولی تفاوت معنادار بین دو گروه وجود ندارد. همچنین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و عادی با متغیر احساس امنیت اجتماعی، رابطه معنادار ندارد و تفاوت معنادار بین دو گروه وجود ندارد. به بیانی واضح‌تر سبک فرزند پروری ادراک‌شده ارتباطی به ازدواج مجدد و عادی ندارد، فرزندان ازدواج مجدد و عادی از مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی یکسانی در خانه و جامعه برخوردار

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

هستند، همچنین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی نقش دارد ولی در پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی نقش ندارد.

یکی از عوامل مؤثر بر مطلوبیت اجتماعی، سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، می‌باشد، در رابطه مطلوبیت اجتماعی با سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد با فرزندان خانواده‌های عادی، نتایج بیانگر این بود که فرزندانی که سبک‌های قاطع و آزادمنشانه را در محیط خود تجربه می‌کنند از احساس مطلوبیت اجتماعی بالاتری برخوردارند از طرفی فرزندانی که سبک‌های فرزند پروری سهل گیر و مستبدانه را تجربه می‌کنند از احساس مطلوبیت اجتماعی پایینی برخوردارند. (نسلیهان و مروه، ۲۰۱۸) گزارش کردند که والدین با سبک تنبیهی ملایم، بهترین سبک‌ها برای پیش‌گویی رفتارهای اجتماعی مثبت یا منفی کودکان هستند. زرگرشیرازی و سراج خرمی(۱۳۹۰) در پژوهشی بیان کردند که رابطه معناداری بین خود اثربخشی، مقبولیت اجتماعی و اضطراب اجتماعی (مرتبط با اضطراب مدرسه) وجود دارد. در مطالعه لانگرلند (۲۰۱۱) مشخص شد که کیفیت حمایت اجتماعی ادراک‌شده با افزایش احساس همبستگی بین افراد، سبب بهبود سلامت روانی می‌شود. سعیدی فر و نیک‌سیرت (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان دادند، رابطه مثبت و معنی‌داری بین سبک مقتدرانه با هوش معنوی وجود دارد. اوزگور (۲۰۱۶) در پژوهشی بیان نمود، شیوه فرزند پروری سهل گیر و مستبد ارتباط معنی‌داری با اعتیاد به اینترنت نوجوانان دارد و کمترین میزان اعتیاد به اینترنت در شیوه مقتدرانه بود. نتیجه پژوهش استیل و مک‌کینی (۲۰۱۹) نشان داد، بین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، مشکلات روان‌شناختی و احساس مطلوبیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهشی(دو مینگوس اسپینوزا، روس ابل کوتو، هارب و باینا، ۲۰۱۸؛ سیلین،کی‌لیک،کایا، یوکار و ناسلیگول، ۲۰۱۹؛ چاوی، چاوی و چن، ۲۰۱۶؛ پور فراهانی، احمد برآبادی و حیدرنیا،۱۳۹۸؛ محمودی و بریمانی ،۱۳۹۹؛ خادمی، علی‌اکبری و سلمانپور (۱۳۷۹) همسو است.

در تبیین عدم رابطه معناداری بین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و مطلوبیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی می‌توان چنین اظهار کرد که شیوه‌های تربیتی و تعاملی والدین با فرزندان خود نقش مهمی در رشد و تکامل رفتاری و مطلوبیت اجتماعی آنان در زمینه‌های تحصیلی و اجتماعی و روابط بین فردی و فرهنگی دارد و فقدان ارتباط صحیح بین والد – کودک موجب اختلالات رفتاری و پیش‌زمینه تمایل به رابطه با دوستان نامناسب را مهیا نموده به نحوه‌ی که ازنظر مقبولیت و مطلوبیت اجتماعی در جایگاه نامناسبی چون ترک تحصیل، افت تحصیلی، گرایش به مصرف مواد، روابط بین فردی ضعیف، قرار می‌گیرند. سبک والدگری دموکرات با ویژگی‌هایی نظیر محبت و همدلی، کودکان خود را مدام تشویق نموده، با بیان مناسب هیجان‌ها، نظرات خود، موجب احساس فزاینده کنترل و حمایت اجتماعی، هیجانی در فرزندان می‌شوند. مشخصه مهم والدینی که دارای سبک‌فرزندپروری مقتدر، وجود فرزندانی بامحبت ، رابطه گرم و صمیمی می‌باشند، این والدین ضمن کنترل منطقی فرزندانشان از آنان توقع رفتار عادلانه و منطقی دارند هرچند این‌گونه والدین به استدلال و تصمیمات فرزندان خود احترام می‌گذارند اما دارای جایگاه محکمی ازنظر قدرت می‌باشند و دلایل قاطع، منطقی در مورد شیوه‌های رفتاری خود ارائه می‌دهند(سیلین و همکاران،۲۰۲۱) این سبک تربیتی در مقابل دو سبک دیگر(استبدادی و آسان‌گیر) به‌طور حتم موجب افزایش سازگاری و مطلوبیت اجتماعی در فرزندان می‌گردد. با توجه به این‌که سبک فرزند پروری مقتدر عالی‌ترین نوع سبک فرزند پروری به‌حساب می‌آید موجب تربیت نسلی مستقل و مسئولیت‌پذیر می‌باشد (اوزگور،۲۰۱۶). بنابراین انتظار کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در این گروه از فرزندان بسیار زیاد می‌باشد،از سوی دیگر در سبک فرزند پروری مستبد، والدین کنترل زیادی بر رفتار فرزندان خود داشته، دارای مقرراتی سخت، روش‌های تنبیهی و دارای محدودیت‌های فراوانی می‌باشند (نسلیهان و مروه،۲۰۱۸)، با قبول این نکته که بروز عصبانیت و پرخاشگری واکنشی به دنبال محرک خصمانه ایجاد می‌گردد نتیجه ناکامی می‌باشد می‌توان اظهار داشت که والدین دارای سبک فرزند پروری مستبد معتقدند فرزندانشان باید بدون کوچک‌ترین سؤال و پاسخی قوانین را بپذیرد و هیچ‌گونه بحث با والدین خود نداشته باشند (چاوی و همکاران،۲۰۱۶)، نداشتن هیچ‌گونه حق اظهارنظری به‌مرور زمینه بروز ناکام‌های گسترده و موجب بروز پرخاشگری و ناسازگاری می‌گردد درنهایت سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه که با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. این شیوه فرزند پروری با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان، به دلیل فقدان نظارت والدین، ارتباط دارد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

همچنین داشتن احساس مطلوبیت اجتماعی موجب پیشرفت تحصیلی، اعتمادبه‌نفس، بهبود روابط مناسب با همتایان می‌گردد. درحالی‌که، سبک فرزند پروری دیکتاتوری ، با کنترل سخت، محدودیت شدید، انضباط ناپایدار و میزان حمایت هیجانی پایین باعث می‌شوند فرزندان با پیامدهای رفتاری منفی چون پرخاشگری، کارکرد هیجانی پایین مواجه می‌گردند و سبک فرزند پروری مقتدرانه موجب توسعه مطلوبیت اجتماعی فرزندان در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، فرهنگی و روابط بین فردی می‌گردد به‌طوری‌که دو سبک دموکرات و دیکتاتوری والدین در دست یافتن فرزندان به مطلوبیت اجتماعی و روابط اجتماعی مناسب بین فردی و تحصیلی با شکست مواجه شده و زمینه‌ساز آینده تحصیلی و شغلی و روابط اجتماعی نامطلوب می‌گردد. به عبارتی واضح‌تر می‌توان بیان نمود که سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده ارتباطی به نوع ازدواج والدین (ازدواج مجدد و عادی) ندارد و سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده نقش مهمی در پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی فرزندان ایفا می‌نماید.

احساس امنیت اجتماعی عامل بسیار مؤثری در سبک‌های فرزند پروری به شمارمی رود، در رابطه با تفاوت و عدم معناداری بین احساس امنیت اجتماعی با سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده، نتایج بیانگر این واقعیت بود که فرزندانی که سبک‌های فرزند پروری مقتدرانه و دموکرات را تجربه می‌کنند، احساس امنیت اجتماعی بالایی دارند، از سوی دیگر فرزندانی که سبک-های فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه را تجربه می‌کنند دارای امنیت اجتماعی پایینی می‌باشند. در نظریه سلسله مراتبی نیازهای مازلو، احساس امنیت بلافاصله بعد از ارضای نیازهای اولیه انسانی قرارگرفته است. تأمین امنیت در هر جامعه‌ای لازمه برخورداری از فرصت‌ها و منابع فرهنگی و اجتماعی، کاهش نرخ جرم، جنایت و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد (عنبری، حسین زاده و حقیقتیان، ۱۳۹۸). احساس امنیت اجتماعی مشخصه اصلی توانایی فرد برای مقابله با سختی‌ها و چالش‌های زندگی و ارتقاء سلامت روان و بهزیستی است (یعقوبخانی و همکاران،۱۳۹۷). علاوه بر آن عدم امنیت اجتماعی، در گیرنده علائمی چون تنش مداوم، ترس عمومی، بی‌قراری، بی‌خوابی، ترس‌های مبهم از حوادث احتمالی می‌باشد (دسترنج و قنبری، ۱۳۹۹). احساس امنیت نقش مهمی در تأمین بهداشت اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، توسعه سلامت عمومی و روانی دارد، نبود احساس امنیت منجر به بیماری‌های جسمانی و روانی در افراد جامعه می‌گردد (غفاری و شیرعلی، ۱۳۹۵). تحقیقات انجام‌شده بر فرزندان ازدواج مجدد نشان می‌دهد که نقاط ضعف ازدواج مجدد از نقاط قوت‌اش بیشتر و موجب پرخاشگری و توقف رشد در فرزندان می‌گردد (گرانت، ۲۰۱۳). کان اونگ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی که به بررسی ادراک کودکان از ازدواج مجدد والدین خود پرداختند، نتیجه نشان داد که کودکان این خانواده‌ها به مقایسه والد ناتنی خود با والد اصلی خود می‌پردازند، نتایجی چون پذیرش یا طرد و عدم امنیت نسبت به آینده و حال به دنبال دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که سلامت روانی و کیفیت زندگی و بهزیستی ذهنی کودکان در ازدواج‌های مجدد پایین‌تر از کودکان خانواده‌های عادی و تک والد است (انسرودی، ۱۳۹۲). بر اساس یافته‌های کمبل (۲۰۱۲) در خانواده‌های با ازدواج مجدد حضور فرزند ناتنی به‌عنوان یک عامل مشکل‌زا در ایجاد رابطه مطلوب می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های خلجی، افراسیابی و روحانی، ۱۳۹۸؛ محمدی ،۱۳۹۹؛ صادقی، بهرامی و اسماعیلی، ۱۳۹۸؛ محمدی و محمدی، ۱۳۹۹؛ حمیدی پور و رجبی، ۱۳۹۷؛ متقی، رضایی واکبری، ۱۳۹۷) همخوان می‌باشد.

در تبیین تفاوت و عدم رابطه معنادار بین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و احساس امنیت اجتماعی فرزندان ازدواج مجدد و عادی می‌توان بیان کرد والدین دارای شیوه فرزند پروری مقتدرانه، قوانین را همواره برای فرزندان خود واضح تبیین نموده، فرزندانشان را به خودمختاری تشویق می‌کنند، فرزندان به خاطر احترامی که از والدین کسب می‌نماید، در زندگی شخصی و اجتماعی با کسب امنیت اجتماعی به درجات بالای علمی نائل می‌گردند. سبک‌های فرزند پروری ترکیبی از رفتارهای والدین می‌باشد که در موقعیت‌های گوناگونی ایجاد و موجب گسترش فضای مؤثر فرزند پروری دائمی می‌گردد (ذکایی فر و موسوی زاده، ۱۳۹۸). ویژگی‌های نظیر محبت و گرمی و خودجوشی در سبک والدگری دموکرات به فور دیده می‌شود، این والدین کودکان خود را تشویق می‌کنند نظرات خود را هرچند نادرست یا متفاوت به همراه ابراز هیجان‌های خود به‌طور دقیق و کامل ابراز نمایند. این سبک فرزند پروری اغلب منجر به خودتنظیمی، امنیت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی می‌شود. درحالی‌که، سبک والدگری دیکتاتوری ویژگی‌هایی مانند سنگدلی، سختگیری را در برمی‌گیرد. این والدین به نیازهای رشد و نمو کودکان خود توجهی ندارند. این سبک فرزند پروی منجر به عدم امنیت اجتماعی، مهارت‌های ضعیف اجتماعی،

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

عزت‌نفس پایین و پرخاشگری می‌شود و مانع پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌گردد، والدین مقتدر معمولاً مقررات سختی برای فرزندانشان وضع می‌کننـد و بـر اجـرای آن پافشاری می‌نمایند. آنان فرزندان خود را تشویق می‌کنند که مستقل باشـند، علاقه زیادی به پیشرفت فرزندان خوددارند، بازخوردهای مثبتی نسبت به پیـشرفت آنـان نشان می‌دهند(نسلیهان و مروه، ۲۰۱۸). البته باید در نظر داشته باشیم که انتظارات متناسب با توانایی‌های فرزنـدان همـراه بـا حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکـارایی فرزنـدان مـی‌شـود، درصورتی‌که وجود اقتدار غیرمنطقی که منطبق بر میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و درنهایت افسردگی منجر مـی‌شـود(محمودی و بریمانی،۱۳۹۹). کودکان والدین مقتدر سطوح بالاتری از خودمختاری دارند و از صلاحیت‌های اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. دانش آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش آموزان با والدین مستبد و سهل گیر، از شیوه حل مسئله در شرایط استرس‌زا استفاده می‌کنند و از امنیت اجتماعی مناسبی در جامعه برخوردارند (ذکایی‌فر و موسوی‌زاده،۱۳۹۸). سبک فرزند پروری دیکتاتوری با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آن‌ها همراه می‌باشد. این والدین نیازی برای ارائه دلیل جهت دستورات خود نمی‌بینند و بر اطاعت و احترام بی‌چون‌وچرای فرزندان تأکید می‌کنند. فرزند پروری سهل‌گیرانه با تقاضاهای کم والدین و پاسخ‌دهی زیاد آن‌ها مـشخص می‌شود. والدین سهل گیر توجه بیش‌ازحد به فرزندانشان نشان می‌دهنـد و از آنـان انتظارهای کمی دارند. این والدین اغلب استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می‌دهند، ولی معمولاً اهداف و انتظـارهای روشـنی بـرای فرزنـدان ترسـیم نمـی‌کننـد(سعیدی فر و نیک‌سیرت،۱۴۰۰). والدین سهل گیر و غفلت کننده تصمیم‌گیرنده نهایی در جهت خواسته‌های کودک یا نوجوان می‌باشند و فرزند مختار است نسبت به خواسته‌های والدین بی‌اعتنا باشد. والدین ظاهراً برای فردیت، گشادگی نسبت به تغییر، بالا بردن توانایی انسان و مساوات‌طلبی در خانواده ارزش قائل‌اند، ولی صرفاً بدین دلیل، به این ارزش‌ها اعتقاددارند تا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. بدین‌صورت، ارائه‌دهنده الگو و سرمشقی از بزرگ‌سال مسئول نمی‌باشند.از طرفی، سطح ارزش افراد خانواده پایین و روابط اعضای خانواده آشفته و غیرانسانی است. با رشد ناکافی ارزش‌ها و مشخص نبودن معیار خانواده، تمایل به ناپایداری و بی‌ثباتی در برابر مشکلات افزایش می‌یابد و نوجوان دچار نوعی دوگانگی احساس و عدم امنیت و خودکم‌بینی می‌گردد و برای کسب امنیت اجتماعی به سمت رفتارهای ناشایست سوق داده می‌شوند (میلزو همکاران،۲۰۱۸).

در یک جمع‌بندی، سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است. خانواده قادر است با حمایت از فرزندان خود، از آسیب‌های جدی وی در دوران بزرگ‌سالی جلوگیری کند(چاوی و همکاران،۲۰۱۶).

این پژوهش به‌طورکلی باهدف پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده در فرزندان ازدواج مجدد و مقایسه آن با گروه عادی پرداخت. نتایج کلی یافته‌ها بیانگر این واقعیت بود که سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده هیچ ارتباطی به ازدواج مجدد و عادی ندارد. همچنین سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده نقش مهمی در پیش‌بینی مطلوبیت اجتماعی دارد ولی در پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی نقشی ندارد. این نتایج می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی و درمانی باشد که اجرایی شدن آن بر روی زوجین عادی و زوجین دارای ازدواج مجدد می‌تواند زمینه‌ساز تقویت مطلوبیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در فرزندانشان گردد.

مطالعه حاضر عاری از محدودیت نبوده است. محدود کردن نمونه به دانش‌آموزان دبیرستانی به جنسیت دختر همچنین، زیاد بودن تعداد پرسشنامه‌ها و حجم سؤالات، ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بود که می‌تواند اعتبار درونی – بیرونی یافته‌های حاصل را تا حد زیادی با محدودیت مواجه نماید. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش متغیرهای موردبررسی در پژوهش حاضر بر روی دانش‌آموزان تمامی مقاطع تحصیلی موردبررسی و مقایسه قرار گیرد و همچنین مراکز درمانی و مشاوره‌ی از نتایج حاصل از پژوهش حاضر جهت تدوین و به‌کارگیری برنامه‌های آموزشی استفاده نمایند.

تضاد منافع: این پژوهش بدون حمایت مالی سازمان خاص انجام‌گرفته است و هیچ‌گونه تضاد منافع ندارد.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

منابع

انسرودی، الناز. (۱۳۹۲). "بررسی علل عدم تمایل زنان مطلقه بـه ازدواج مجـدد در کمیتـۀ امداد امام خمینی(ره) شهرستان قدس"، پایان نامۀ کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

آسنجرانی، فرامرز؛ جزایری، رضوان السادات، فاتحی زاده، مریم؛ اعتمادی، عذرا و یان دومول. (۱۳۹۷). اثربخشی برنامه مداخله‌ای اجتماع‌محور بازسازی زندگی بر سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه. پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۷(۶۸)، ۱۷ - ۵.

اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). "بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های فرزند پروری مادران کودکان مبتلابه اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بـر اخـتلالات رفتاری کودکان"، پایان نامۀ کارشناسی ارشد. انستیتو روان‌پزشکی تهران.

بخشنده زحمتی، سمیه؛ بهیان، شاپور و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۸)." مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران". *پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱۳(۱)، ۱۱۵— ۱۴۰.

بهادری، خسرو؛ شاهی، جعفر و برقی، عیسی. (۱۳۹۷). "نقش مطلوبیت اجتماعی و پذیرش در پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان دوم متوسطه". *فصلنامه علمی، آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۸ (۱)، ۱۳۳- ۱۴۴.

بزرگمهری بوذرجمهری، خاطره؛ حافظی، فریبا؛ عسگری، پرویز؛ مکوندی، بهنام و پاشا، رضا. (۱۳۹۸). " اثربخشی آموزش هوش افزایی مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر بر مطلوبیت اجتماعی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان دختر پایه دهم شهر اصفهان". مجله روان‌شناسی اجتماعی. ۱۳(۵۱)،۲۱ -۱۱.

پور فراهانی، منیره؛ احمد برابادی، حسین و حیدرنیا، احمد. (۱۳۹۸). "اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر اضطراب اجتماعی دختران نوجوان بی‌سرپرست". *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۸ (۴)، ۵ — ۱۳.

پودینه، لیلا ؛ جناآبادی، حسین؛ پورقاز، عبدالوهاب. (۱۳۹۵). "رابطه سبک‌های فرزند پروری و سبک‌های انضباطی باجرئت ورزی دانش آموزان". *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی* ، شماره ، ۲۴، ۲۱ - ۳۸.

ثمری، علی‌اکبر و لعلی فاز، آسنجرانی، فرامرز؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی زاده، مریم ؛ اعتمادی عذرا و یان دومول. (۱۳۹۶). " اثربخشی برنامه مداخله‌ای اجتماع‌محور باز سازی زندگی بر سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه". *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۷ (۶۸)، ۵ — ۲۰.

حمیدی پور، رحیم و رجبی، فاطمه. (۱۳۹۷). "پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت". *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۷ (۲۰)، ۹۷- ۱۱۱.

خادمی، علی؛ علی‌اکبری، مینا و سلمانپور، حمزه. (۱۳۹۷)." بررسی رابطه بین مقبولیت اجتماعی و نگرش به مادر با اضطراب به مدرسه دانش آموزان پایه ششم ابتدایی ناحیه۲ شهرستان ارومیه". *نشریه علمی - پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، ۱۱ (۴۳)، ۱۳۰-۱۱۳.

خانیکی، الهه و معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۶). " تأثیر مشاوره گروهی راه‌حل محور بر خودکارآمدی و حمایت اجتماعی کودکان کار". *فصلنامه سلامت روانی کودک*. ۴ (۱)، ۱۰۹- ۱۱۸.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

خلجی، مریم؛ افراسیابی، حسین و روحانی، علی. (۱۳۹۸). " تفسیر زنان مطلقه از ازدواج مجدد مطالعه کیفی در شهرکرد." پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی – دانشکده علوم اجتماعی".

دسترنج، منصوره و قنبری، سمیه. (۱۳۹۹)." بررسی وضعیت احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی – فرهنگی مؤثر بر آن در بین جوانان شهر لار". *فصلنامه علمی امنیت ملی*، ۱۰ (۳۵)، ۱۳۱- ۱۵۴.

ذکایی فر، آرزو و موسوی زاده، توکل. (۱۳۹۹). "نقش سبک‌های فرزند پروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستان ۵ و ۶ ساله". *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۳۷، ۱۰۰–۸۷.

روزبهانی، فهیمه و اخلاقی کوهپایی،حسین. (۱۳۹۷). "رابطه سبک‌های دل‌بستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با مطلوبیت اجتماعی معتادین در حال ترک". *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۳۹۷؛ (۸): ۹۷.

رادفر، محمدرضا و حبیب زاده، اصحاب. (۱۳۹۷). "عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی". *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱۰(۱۲)، ۸۴ – ۵۳.

زرگرشیرازی، فریبا و سراج خرمی، ناصر.(۱۳۹۰)." رابطه خود اثربخشی و مقبولیت اجتماعی با اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان دختر". نشریه علمی زن و فرهنگ،۳(۷)،۶۳ - ۷۸.

سعیدی فر، محمد و نیک صفت، ابراهیم. (۱۴۰۰)." بررسی نقش سبک‌های فرزند پروری در پیش‌بینی سلامت روان دانش آموزان با میانجی‌گری هوش معنوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور ورامین.

سرمدی سلطان، وحید؛ زارعی، وحید؛ میانکلی، فرشاد و سلیمی بحستانی، حسین. (۱۳۹۲)." اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر بیانگری و مطلوبیت اجتماعی دانشجویان". *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*. ۳۷، ۸۱ – ۸۹

صادقی، محمد؛ بهرامی، فاطمه و اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۸)." تدوین مدل بومی عوامل فرهنگی بازدارندهٔ ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار زیرپوشش کمیتهٔ امداد کشور ایران در سال ۱۳۹۵". *پژوهشنامهٔ زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* فصلنامهٔ علمی (مقالهٔ علمی ـ پژوهشی)، ۱۰(۲)، ۱۹۹– ۲۲۹.

صادقی، مسعود؛ بهرامی، فاطمه و اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۶). "تلفیقی از مدل بومی موانع جامعه‌شناختی ازدواج مجدد خانوارهای سرپرست زن تحت پوشش امداد ملی کمیته ایران در سال ۱۳۹۵" ، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۸ (۷۰) ، ۱۸۰- ۱۴۱.

طهماسبی پور، نجف؛ نصری، صادق و محمدی، عبدالکریم.(۱۴۰۰)." بررسی رابطه تاب‌آوری و خود پنداره تحصیلی با مطلوبیت اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه شهرستان گنبدکاووس". *فصلنامه راهبردهای نو در روانشناسی و علوم تربیتی*،۳(۱۲)،۲۴ – ۳۴.

طالبیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). "تورش مطلوبیت اجتماعی در پیمایش‌های اجتماعی". *راهبرد فرهنگ*، ۴۵ ،۲۶ -۸.

عنبری، علی؛ حسین زاده، علی حسین و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۸)."تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر میزان استفاده از فضای مجازی بر احساس امنیت اجتماعی (موردمطالعه: شهر ایلام)". *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*،۵۷، ۲۱۱ -۲۷۵.

غفاری، غلامرضا و شیرعلی، ابراهیم. (۱۳۹۵)." بررسی وضعیت نشاط اجتماعی در بین شهروندان و رابطه آن بااحساس امنیت اجتماعی (نمونه موردی: جوانان ۲۹- ۱۸ شهر تهران)". *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۴۵، ۵۷ – ۳۳.

قوی‌پنجه، فاطمه؛ علی مندگاری، ملیحه و کلاته ساداتی، احمد. (۱۳۹۶)." تجربه ازدواج مجدد در زنان مطلقه شهر شیراز "، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی – دانشکده علوم اجتماعی.

گنجی، حمزه. (۱۳۸۴). ارزشیابی شخصیت. تهران: ساوالان.

محمدی، رزگار و محمدی زهرا. (۱۳۹۸)." چالش‌های ازدواج مجدد زنان با حضور فرزند: پژوهشی کیفی". *زن در توسعه و سیاست*، ۱۷(۱)، ۹۷- ۱۱۹.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

محمدی، زهرا. (۱۳۹۹)." مطالعه‌ی جامعه‌شناختی مسائل مرتبط با ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار". *فصلنامه علمی – پژوهشی زن و جامعه*، ۱۱(۲)، ۲۵۶ – ۲۷۷.

محمودی، سیده زهرا و بریمانی، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). "رابطه بین مطلوبیت اجتماعی و خودکار آمدی با شادکامی دانشجویان (موردمطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا)". *تغییرات اجتماعی – فرهنگی*، ۱۷(۶۶)، ۱۷۴.

محسنی، سحر و میرگل، احمد. (۱۳۹۹). تعیین نقش سبک زندگی اسلامی، مطلوبیت اجتماعی و خودکارآمدی بر شادی و سلامت روان دانشجویان. مجله " پژوهش سلامت ". ۵ (۳)، ۱۳۷ – ۱۴۳.

متقی، شکوفه؛ رضائی، صادق واکبری، روح‌اله. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه روان‌شناختی و خودکارآمدی بر احساس امنیت اجتماعی دانش آموزان. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۴، ۱- ۱۹ .

مرادی،کبری و دهقانی، اکرم. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر شادکامی و مطلوبیت اجتماعی زنان حوزوی. فصلنامه فرهنگی – تربیتی زنان و خانواده،۱۲(۴۲)، ۱۱۳ – ۱۲۶.

یعقوبخانی، مرضیه؛ اسدزاده،حسن؛ سعدی پور، اسماعیل؛ دلاور، علی و درتاج، فریبرز. (۱۳۹۶)." ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس امنیت و لذت اجتماعی(SSPS). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۳ ، بهار ۹۷. ۲۱۷ – ۲۳۷.

یکله، معصومه؛ محسن زاده، فرشاد و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۷)." مطالعه کیفیت ازدواج مجدد پس از طلاق (رویکرد داده بنیاد)". *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۷ (۳)، ۱۷-۳۱.

Akin, A., Uysal, R., Özkara, N., & Bingöl, T.Y. (2012). *The validity and reliability of the Turkish version of the Social Safeness and Pleasure Scale (SSPS).* Paper presented at the Applied Education Congress, Ankara, Turkey.

Akin, U., & Akin, A. (2016). Investiga

Baumrind, D. (1973). The development of instrumental competence through socialization. In A. D. Pick (Ed.), *Minnesota symposium on child psychology* (Vol. 7, pp. 3-46). Minneapolis: University of Minnesota Press.

Boisot, M. (2015). *Information space: a framework for learning in organizations, institutions and cultures*. London: Routledge.

Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment, 57*,110 - 119.

Dastranj, M., & Ghanbari, S. (2020). A study the status of a sense of societal security and socio-cultural factors affecting it among youth in Lar city. *Journal of National Security*, 10(35), 131-154. (Persian)

Domínguez - Espinosa, A. d. C., He, J., Rosabal - Coto, M., Harb, C., & Baena, I. B. (2018). *An indigenous measure of social desirability across non -Western countries.* Papers from the international association for cross-cultural psychology conferences.

Ganong, L. H., Coleman, M., & Jamison,T. (2011). Patterns of stepchild – stepparent relationship development. *Journal of Marriage and Family*, 73(2), 396 - 413. https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2010.00814.x

Gilbert, P., McEwan, K., Mitra, R., Franks, L., Richter, A., & Rockliff, H. (2008). Feeling safe and content: A specific affect regulation system? Relationship to depression, anxiety, stress, and self-criticism. *The Journal of Positive Psychology*, *3*(3), 182–191. https://doi.org/10.1080/17439760801999461

Gilbert, P., McEwan, K., Mitra, R., Richter, A., Franks, L., Mills, A., Bellew, R. & Gale, C. (2009). An exploration of different types of positive affect in students and patients with bipolar disorder. *Clinical Neuropsychiatry, 6*, 135-143.

Innes, M. (2017). Signal crimes and signal disorders: notes on deviance as communicative action. *The British Journal of Sociology*, *55*(3), 335-355. https://doi.org/10.1111/j.1468-4446.2004.00023.x

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

Kaminska, O., & Foulsham, T. (2016). Eye-tracking social desirability bias. *Bulletin of Sociological Methodology/Bulletin de Méthodologie Sociologique, 130*(1), 73-89. https://doi.org/10.1177/0759106315627591

Kelly, A. C., & Dupasquier J. (2016). Social safeness mediates the relationship between recalled parental warmth and the capacity for self-compassion and receiving compassion. *Personality and Individual Differences, 89*, 161–157. https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.10.017

Kılıçkaya, S., Uçar, N., & Denizci Nazlıgül, M. (2021). A Systematic Review of the Association between Parenting Styles and Narcissism in Young Adults: From Baumrind's Perspective. *Psychological Reports*. https://doi.org/10.1177/00332941211041010

Langerland, E. (2011). The impact of social support on mental health service users' sense of coherence: A longitudinal panel survey. *International Jounal of Nursing Studies, 46*(6), 830 - 837. https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2008.12.017

Liao, P. S. (2016). Social desirability bias and mode effects in the case of voting behavior. *Bulletin of Sociological Methodology/Bulletin de Méthodologie Sociologique, 132*(1), 73-83. https://doi.org/10.1177/0759106316662594

Mills, R. S., Arbeau, K. A., Lall, D. I., & De Jaeger, A. E. (2010). Parenting and child characteristics in the prediction of shame in early and middle childhood. *Merrill-Palmer Quarterly (1982-)*, 500-528.

Özgür, H. (2016). The relationship between Internet parenting styles and Internet usage of children and adolescents. *Computers in Human Behavior, 60*, 411-424. https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.02.081

Pace, G. T., Shafer, K., Jensen, T. M., & Larson, J. H. (2015). Stepparenting issues and relationship quality: The role of clear communication. *Journal of Social Work, 15*(1), 24-44. https://doi.org/10.1177/1468017313504508

Prato, R.M. (2013). *Remarital prepration: the perspectives of individuals involved in a remarriage*. (Doctoral dissertation), Chestnut Hill college.

Saltali, N. D., & Imir, H. M. (2018). Parenting styles as a predictor of the preschool children's social behaviours. *Participatory Educational Research, 5*(2), 18-37. https://doi.org/10.17275/per.18.10.5.2

Schweizer, V.J. (2020). *First marriage vs. remarriage: Demographic characteristics.* National Center for Family and Marriage Research Family Profiles.

Steele, E. H., & McKinney, C. (2019). Emerging adult psychological problems and parenting style: Moderation by parent-child relationship quality. *Personality and Individual Differences*, 146, 201 - 208. https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.04.048

ting the mediator role of social safeness on the relationship between forgiveness and life satisfaction. *Anales de psicología, 32*, 534-528. https://doi.org/10.6018/analesps.32.2.205271

Valente, J. Y., Cogo - Moreira, H., & Sanchez, Z. M. (2017). Gradient of association between parenting styles and patterns of drug use in adolescence: A latent class analysis. *Drug and Alcohol Dependence*, 180, 272 - 278. https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2017.08.015

Zuquetto, C. R., Opaleye, E. S., Feijó, M. R., Amato, T. C., Ferri, C. P., & Noto, A. R. (2019). Contributions of parenting styles and parental drunkenness to adolescent drinking. Brazilian. *Journal of Psychiatry*, 41(6), 511-517. https://doi.org/10.1590/1516-4446-2018-0041

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۲، شماره ۲۶، پاییز ۱۴۰۳

Predicting Social Well-Being, Sense of Security, and Social Enjoyment Based on Perceived Parenting Styles in Children of Remarriage and Comparing It with the Normal Group

Naser Yoosefi[1], Jamal Rahimi[2], Shabrooz Ghobadizadeh[3], Mohamad Ali Moslemi[4]

Abstract

The present study aimed to predict social well-being and sense of social security based on perceived parenting styles in children of remarriage and to compare it with a normal group. The research method was predictive-comparative. The statistical population included all female high school students in the 10th, 11th, and 12th grades in Shahreza County during the 2022-2023 academic year. The sample consisted of 106 students, with 53 students from "remarried families" and 53 from the "normal group," selected through multi-stage cluster random sampling. To collect data, the following questionnaires were used: the Social Well-Being Scale by Keyes, the Social Security Scale by Gilbert et al., and the Perceived Parenting Styles Questionnaire by Baumrind. Data were analyzed using SPSS 25 software through descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistics (independent t-test, ANOVA, and regression analysis). The results showed that perceived parenting styles in children of remarriage and normal children have a significant relationship with the variable of social well-being, but no significant difference was found between the two groups. Additionally, perceived parenting styles in children of remarriage and normal children do not have a significant relationship with the variable of social security, and there is no significant difference between the two groups. More clearly, the style of parenting is not related to remarriage or normal family structures, and both children from remarried families and normal families have similar levels of social well-being and social security in their homes and communities. Furthermore, perceived parenting styles play a role in predicting social well-being ($p < 0.001$) but do not play a role in predicting social security ($p > 0.136$). The findings of this study can serve as a basis for designing educational and therapeutic programs aimed at couples who have remarried, which can help strengthen social well-being and sense of social security in their children.

Keywords: Social Well-Being, Sense of Social Security, Perceived Parenting Styles, Children of Remarriage.

[1] Assistant Professor of Family Counseling and Psychology, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran.
[2] PhD Student in Psychology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran.
[3] Master's Degree in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran (Corresponding Author) shabroozghabadi@gmail.com.
[4] Master's Degree in Psychology, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۲۲، شماره ۲۶، پاییز ۱۴۰۳

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-17]